

مردم تکیه‌گاه دین‌اند

آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی /

نامه ۵۳ همان عهدنامه معروف مالک اشتر است که وجود مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام) در هنگام حرکت مالک جهت اداره منطقه پهناور مصر به مالک اشتر سپرد. یکی از جمله‌های رسمی آن عهدنامه این است که شما باید به فکر توده مردم باشید، آن‌ها «عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ» هستند. همان طوری که شریعت ستونی دارد، سیاست هم ستونی دارد. ستون شریعت نماز است؛ «الصلاة عمود الدین». [۱] ستون سیاست، مردم‌اند؛ فرمود: «وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ». اگر شما بخواهید یک سیاست دینی داشته باشید، مردم باید هماهنگ باشند، خواسته مردم باید تأمین باشد. مردم مسلمان هم جز دستوره‌های دین، چیزی نمی‌خواهند، جز فرموده‌های انبیای الهی چیزی نمی‌طلبند. وجود مبارک حضرت امیر (سلام الله علیه) در این نامه پنجاه و سوم بیان داشت عماد دین، مردم‌اند، فرمود: «وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعِدَّةُ لِلْعَدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ». فرمود در روز جبهه و جنگ، مشکل را مردم حل می‌کنند، در مسائل اجتماعی مشکل را مردم حل می‌کنند، در مسائل دینی مشکل را مردم حل می‌کنند، اگر بخواهید بحث‌های فقیهانه داشته باشید، [آنگاه] «الصلاة عمود الدین»، [اگر بخواهید] بحث‌های سیاسی و اجتماعی داشته باشید [آنگاه] «الناس عمود الدین».

روح‌القوانین و انواع حکومت

معمولاً حکومت‌ها را به چهار قسم تقسیم کرده‌اند. این «روح‌القوانین» کتابی است که بالأخره به غالب زبان‌ها ترجمه شده است. مؤلف این کتاب (شارل دو مونتسکیو) خیال کرده که حکومت همین چهار قسم است و بسیاری از مردم کشورهای شرق و غرب هم همین را پذیرفته‌اند که حکومت از چهار قسم بیرون نیست. قسم اول آن است که قانونی در کار نیست، استبداد سلطنتی است، یک شخص حکومت می‌کند بر اساس رأی خودش. قبلاً ایران هم همین‌طور بود، حکومت مستبد بود، مجلس و قانون‌گذاری نبود. اگر دستگاه قضایی بود، غضب سلطان بود و اگر بخشایش بود، دست و دل‌بازی سلطان بود. حکومتش بر اساس رأی یک شخص بود به نام سلطان؛ قانونی در کار نبود. این حکومت استبدادی است. قسم دوم این است که قانون هست. عده‌ای جمع می‌شوند، قانون‌گذاری می‌کنند ولی اساس کار و اجرای قانون به دست یک شخص